

حضرت رضاعلیشاه ثانی



قطب العارفين و ملجاء السالكين نتيجة الاولياء و زبدة الاصفياء زين العرفا و قرّة عين الفقراء مولانا المعظم و ملاذنا المحترم الحاج سلطانحسين تابنده رضاعليشاه فرزند ارشد حضرت صالحعليشاه ملقب به فضل الله در ۲۸ ذیحجه^۱ ۱۳۳۲ قمری مطابق با ۲۵ آبان ۱۲۹۳ شمسی پا به عرصه وجود گذاشتند. پس از تحصیلات مقدماتی در بیدخت نزد پدر بزرگوار خود و سایر مدرّسین محلی، در سال ۱۳۱۰ شمسی به امر حضرت صالحعليشاه به اصفهان مسافرت کردند و موفق به اخذ اجازه روایت شدند. پس از ۵ سال توقّف در اصفهان به طهران آمدند

و وارد دانشکده معقول و منقول شدند و همزمان در دانشسرای عالی مشغول تحصیل گردیدند و در سال ۱۳۵۸ قمری موفق به اخذ گواهینامه لیسانس می شوند. سپس به دستور پدر بزرگوار خود به گناباد تشریف برده و در ظلّ تربیت ایشان به ریاضت و تصفیه روح پرداختند و در ۱۵ شعبان سال ۱۳۶۹ به اجازه اقامه جماعت و تلقین اوراد و اذکار لسانی نائل گردیدند و در ۱۱ ذیقعدة الحرام همان سال مأذون به ارشاد طالبین و دستگیری با لقب رضاعلی شدند تا اینکه در ذیقعدة سال ۱۳۷۹ قمری به جانشینی حضرت صالحعليشاه با لقب رضاعليشاه معین گردیدند.

حضرتش مسافرتهاى متعددى به کشورهای افغانستان و پاکستان و هندوستان و ممالک مختلف عربی و مصر و فلسطین و کشورهای اروپایی داشتند و چند سفر به بیت الله الحرام تشریف می برند. در هر سفر با علماء اعلام و مراجع تقلید ملاقات می کردند و در سفری به نجف، ایت الله حاج شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء پس از مذاکرات مفصّل در مسائل غامض فقهی به ایشان اجازه اجتهاد می دهند. علاوه بر این بسیاری دیگر از علماء اعلام درجات اجتهادی به نام ایشان صادر نموده اند که از جمله آنها می توان به درجات اجتهاد صادره توسط آیات عظام سید محمد موسوی نجف آبادی، سید مهدی درچه ای، ابوالمجد محمد رضا مسجد شاهی اشاره نمود.

پس از رحلت حضرت صالحعليشاه به موجب نصّ صریح ایشان عهده دار سرپرستی فقرای

نعمت‌اللهی سلطانعلیشاهی شدند و مسند ارشاد به وجود ایشان زیب و زینت یافت.

حضرتش تألیفات بسیاری دارند که اکثر آنها چندین بار به حلیه طبع درآمده است. اسامی کتب تألیفی ایشان که به چاپ رسیده‌اند بدین قرار است: تجلی حقیقت در اسرار فاجعه کربلا، رساله خواب مغناطیسی، شرح حال خواجه عبدالله انصاری، ترجمه دعاء ابوحمزه ثمالی، فلسفه فلوطین، نابغه علم و عرفان در قرن چهاردهم هجری، تاریخ و جغرافی گناباد، یادداشتهای سفر به ممالک عربی، خاطرات سفر حج، گردش افغانستان و پاکستان، سفرنامه از گناباد به ژنو، رساله رفع شبهات، رساله رهنمای سعادت، نظر مذهبی به اعلامیه حقوق بشر، قرآن مجید و سه داستان اسرارآمیز عرفانی، ده سخنرانی، التاریخ المختصر فی احوال المعصومین الاربعه عشر (ع)، سه گوهر تابناک از دریای پر فیض کلام الهی. برخی کتب دیگر ایشان همانند سیر تکاملی و حرکت جوهری و کتاب فلسفه ابن رشد و ترجمه کتاب الکشف عن المناهج الادله فی عقاید المله و چندین جنگ خطی و مکتوبات بسیاری از ایشان چاپ نشده باقی مانده است.

حضرتش در سحرگاه ۱۱ ربیع الاول ۱۴۱۳ مطابق با ۱۸ شهریور ۱۳۷۱ قالب جسمانی را تهی و به وصال دلدار نائل آمدند. مزار ایشان در بقعه متبرکه سلطانی در بیدخت گناباد می‌باشد.

برگزیده دو عامل از خاندان طه و یس و درود پیاپی به ایشان تا روز دین. و بعد از آنجائی که علم اشرف خصلتها و اکمل کمالات و زیباترین جمالات و برترین عظمتها و زیباترین زیباییهاست و تردیدی نیست که اشرف همه علوم علم قواعد دین است که سبب هدایت جویندگان راه می شود و توسط آن احکام شریعت شناخته و ادله تفصیلیه آن استنباط می گردد و وسیله ایست برای رسیدن به سعادت ابدی و سیادت دائمی. بخصوص علم حدیث که یکی از دو پایه اصلی و دو ریسمان اتصال و دو راهنمای رساننده به دو ثقل هدایت است که سرور دو جهان تمسک به آنها را امر فرموده و به همین منظور خداوند تعالی برای حفظ دین و احکام خود علماء و مستحفظین شرایع و احکام را معتمد قرار داده است زیرا ایشان شناختی را که از اهمیت علم باید بیابند کسب کرده اند و همت خود را آنطور که لازم است صرف آن کرده اند. از کسانی که در این طلب کوشیده اند و به اجتهاد رسیده اند و در تحصیل این مطلب بذل جهد نموده اند و به سعادت علم و عمل نائل آمده اند و این مسیر را پیموده اند ^۱ اکمل عالم و فاضل کامل دارنده کل فضائل اشخاصی که نزدیک و شبیه به ایشان هستند صاحب فکر نقاد و طبع روان و فضل فراوان و ذهن صافی آراسته به همه نیکوئیها و وارسته از جمیع عیوب مولای ما سلطانحسین فرزند عالم فضیل و محدث جلیل بزرگوار قطب العارفین و کف السالکین التقی المؤمن مولای ما شیخ محمد حسن که خداوند بقای ایشان را طولانی نماید؛ همانا که خداوند ایشان را حفظ خواهد کرد، پس تلاش و جهد نمودند و نفس خود را به زحمت انداختند و در تحصیل علم با صعوبت و مشقت کوشش کردند و آن را از اهلش بدست آوردند و از سرشت خود اخذ کردند و ذره های خود از صدفهای اربابان فضلشان را به هم آمیختند و خدای را سپاس که از علماء اعلام و فقه های عالی مقام و محدثین عظام کرام گردیدند و در استنباط مسائل احکام شرعیه از ادله تفصیلیه آن اقتدار یافتند. از خداوند تعالی مسئلت دارم که در رسیدن به غایت کمالات و عروج و مدارج فضل و کمال و خروج به اعلا ترین معارج علم و فضائل موفق باشند. همانا که از من اجازت خواستند که از کتب اخبار و مؤلفات علمای ابرارمان روایت کنند. پس به جناب ایشان اجازت دادم که از هر آنچه که از نظر من صحیح است و از کتب اخبار و مؤلفات اصحاب خوبمان بالاخص کتب چهارگانه الکافی - الفقیه - التّهذیب - الاستبصار که از زمانهای گذشته مرجع بوده اند و کتب سه گانه متأخر الوافی - الوسائل - البحار الانوار که بسیار مشهورند و مانند آتش بر منار و خورشید در وسط روزند و هر کدام از مشایخ کبار که از شیخ و استادم بارع و جامع احکام فقیه اصولی شیخ فتح الله نمازی اصفهانی معروف به شریف که خدا به او جزای خیر دهاد روایت کنند و به طریقی که از شیخ و استادش سید آقا میر محمد هاشم خوانساری اصفهانی از شیخ علامه شیخ مرتضی انصاری از مولا احمد نراقی از شیخ سید مهدی مشهور به بحرالعلوم از استاد فرید وحید آقا محمد باقر بهبهانی از پدر مولا محمد اسماعیل از مولا محمد باقر مجلسی از پدرش مولا محمد تقی مجلسی از شیخ بهاء الدین عاملی اعلی الله مقامه به روش مذکور در اربعین وی روایت کنند. ایشان را به تقوای الهی و مراعات جانب احتیاط که راه نجات است وصیت می کنم و از خداوند برای خود و ایشان توفیقی که به محمد و آل او صلی الله علیه و آله عطا شد را مسئلت دارم. در ماه شوال سال ۱۳۵۴ تحریر گردید.

(۱) تام و کاملی که هیچ چیز آن ناقص و کم نباشد.

بسم الله الرحمن الرحيم
 با من ترویجی انکلمات حلویت و جویبوی جودت
 و محیی احاد الودادت، پنهانتر نعمه و جودت
 خوردن علی معظمه الایالات، در جویبوی جودت
 عزیزان و خیرا عبادتک فرمودت، ملک قدامت نبیالک
 در عصر مبرک حضرت زین العابدین، در جویبوی جودت
 انترانم مریضه و اعلاها حقیقه و اله الودادت
 معه جدیدت، المصیبه با مع الاستار مستطیلا ما یلایا، و
 الا عدل، اما بعد آنچه از او در آن انقاصت
 انقاصت و مع العوضه الی لیس له ما حل
 انک سبب الودادت، و فیستینه انقاصت
 الی و در سلطنت، سستی انقاصت بیجا که سعادت
 من و بعد انعام فتنه که بر من من قبیله کومه جویبوی
 زین العابدین و معز نیایلیه خلیل من و انقاصت جویبوی
 و انقاصت، ترویج من مبادیه و لیسبت بقوم عظیمه
 بیجا هلاله و بیجا مایلیه انقاصت و محیی جودت را جودت
 منقر ازانه تا جودت و قد استیارت من مستطیلا من
 تا جودت فی عود ان راه اجار الایامه و احبب من
 ان ترویج من ماصوت لی و دایم من ایستید

الترجمه: الاحقر محمد الموسوی نجف آبادی
 الحاج حیدری الموسوی عم الخلیج عن قول الامام
 الجرح سید محمد بن محمد بن عیسی صاحب الکتابان، انما
 استیدنا فی عمره قال: استیدنا فی عمره من سیدنا
 یعنی از من استیدنا، استیدنا: ایستیدنا، ایستیدنا: ایستیدنا
 الی الموسوی بالیوم و انما الیوم و انما الیوم و انما الیوم
 یعنی، انک عزم الیوم فی جویبوی جودت و اله العبد الیوم
 الیوم فی جویبوی جودت و اله العبد الیوم و اله العبد الیوم
 عن الشیخ زین العابدین و عن الشیخ زین العابدین و عن الشیخ زین العابدین
 المصیبه من سبب المصیبه انقاصت عن الشیخ زین العابدین
 امین هلاله الیوم عن الشیخ زین العابدین و اله العبد الیوم
 عن امین شریار الخیران عن الشیخ زین العابدین و اله العبد الیوم
 الیوم عن الشیخ زین العابدین و اله العبد الیوم و اله العبد الیوم
 انقاصت الیوم بیجا که لکینه الیوم و اله العبد الیوم
 البسوطه و انما انقاصت الیوم و اله العبد الیوم و اله العبد الیوم
 انقاصت و اله العبد الیوم و اله العبد الیوم و اله العبد الیوم
 الیوم و اله العبد الیوم و اله العبد الیوم و اله العبد الیوم
 و ترویج الیوم فی کل حاله و اله العبد الیوم و اله العبد الیوم
 و غیره: انک کتبه الیوم و اله العبد الیوم و اله العبد الیوم

ترجمه اذن روایت و اجتهاد حضرت رضاعلیشاه از جانب ایت الله محمدرضا مسجدشاهی:

بسم الله الرحمن الرحيم

ای آنکه کائنات حدیث و جودش روایت کنند و موجودات همه از جود و نعم فراوانش سخن گویند. حمد و سپاس مر تو را از برای نعمتهایت و درود بر سر لوحه دفتر دوستانت و مشک ختام پیامبرانت و باطن سر اولت و رسول مرسلت که طریقه او واضح ترین شرایع و آشکارترین حقایق است و بر خاندان او که از پدران و اجدادشان اصح حدیث عصمت را روایت نمودند. اما بعد از ستایش و درود همانا فاضل کامل و دریای فضل و دانش که ساحلی بر او نیست و سالک راههای وصول و فیلسوف معقول و منقول سلطانحسین معروف به بیچاره که بعد از جد بزرگوارش ریسمان علم را با نیت مصمم برگرفتند و همّت خود را در تحصیل آن مصروف کردند بطوریکه روز و شب خود را مشغول آن نمودند تا به نهایتی که می بایست برسند نائل آمدند و به زودی چون ماهی رخشان در حد امثال خود خواهند شد و طریقه پدر و اجدادشان را احیاء خواهند نمود استجازات خواستند که در زمرة راویان اخبار ائمه باشند.

ایشان مجاز هستند از من و آنچه که از نظر من صحیح است و از سید شریف بزرگوار عمید عراقی و مرجع کل حاج سید محمد قزوینی از دائیش حاج سید مهدی از عموی صاحب کرامتش سید باقر از دائیش سید مهدی معروف به بحرالعلوم از استادش مولا محمد باقر اصفهانی معروف به بهبهانی از پدر بزرگوارش محمد اسماعیل از مولا محمد باقر مجلسی از پدرش محمد تقی مجلسی اول از شیخ بهاءالدین محمد عاملی از پدرش شیخ عزالدین حسین عاملی از شیخ زین الدین عاملی شهید ثانی از شیخ علی بن عبدالعالی میسی از همنامش محقق کرکی از شیخ علی بن حلال جزایری از شیخ احمد فهد حلی از ابن شهریار الخاذن از شیخ محمد بن مکی شهید اول از شیخ فخرالدین از پدرش شیخ بن یوسف علامه حلی از طرق کثیره که در اجازت مبسوطه مدونه مضبوط است روایت کنند. و ایشان را وصیت می‌کنم به آنچه که مرا به آن وصیت کرده‌اند و به مشایخ کرام و سخنان راست و درست آنها و به علوم اهل بیت علیهم السلام یعنی احتیاط در دین و تلاش در رفع حوائج مسلمین و تقوای الهی در همه حال و درود بر محمد و آله خیرنبی و خیرآل.

تحریر شد توسط این بنده ابوالمجد محمد رضا مسجدشاهی به سال ۱۳۵۵ هجری قمری



ترجمه اذن اجتهاد حضرت رضاعلیشاه صادره از جانب ایت الله سید مهدی درچه‌ای:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين و بعد از آنجائی که

علم اشرف خصلتها و اکمل کمالات و زیباترین جمالات و برترین عظمتهاست و تردیدی نیست که اشرف همه علوم علم قواعد دین است که سبب هدایت جویندگان راه می شود و بخصوص علم حدیث که یکی از دو پایه اصلی و دو ریسمان اتصال و دو ثقل هدایت است که سرور دو جهان تمسک به آنها را امر فرموده و به همین منظور خداوند تعالی برای حفظ دین و احکام خود علماء و مستحفظین شرایع و احکام را قرار داده است و از اینگونه افراد است جناب عالم فاضل و فاضل کامل فخر فضلاء راشدین آقا سلطانحسین آقا گنابادی معروف به بیچاره فرزند عالم کامل حاج شیخ محمد حسن که خداوند متعال آنها را از بلیات و محنتها حفظ فرماید که به جد در طلب و بذل جهد در تحصیل این مطلب به سعادت علم و عمل نائل گردیده اند. پس نباید مخفی داشت که همانا ایشان به بالاترین مراتب رشاد و ارشاد رسیده اند و تمییز دهنده صحیح از ناصحیح گشته اند و خداوند متعال را شکر می گذرام که بر ایشان منت گذارد و از خداوند موفقیت ایشان را در توفیق بیشتر کمالات مسئلت دارم. از حسن ظنی که به من دارند اجازه خواستند و ایشان مجاز هستند که از هر آنچه که از نظر من صحیح است و از کتب اخبار و تألیفات علمای ابرار ما و بالآخر کتب چهارگانه الکافی - الفقیه - التّهذیب - الاستبصار که همیشه و در همه ازمه مرجع اصلی بوده اند و کتب سه گانه متأخر الوافی - الوسائل - البحار الانوار که به غایت مشهورند بر طبق آنچه که از مشایخ بزرگوارم و اساتید عالیقدرم که سپاهیان برای اسلام هستند و منجمله آنها شیخ و استاد علامه مولا محمد کاظم خراسانی طاب ثراه و از شیخ و استادش علامه زمان خود حاج میرزا محمد حسین شیرازی قدس سرّه از شیخ و وحید زمان خود شیخ مرتضی انصاری از مولا احمد نراقی از بزرگ ما بحرالعلوم از استادش آقا محمد باقر بهبهانی از پدرش مولا محمد اسماعیل از رئیس محدثین و فخر فقها و محققین علامه زمان خود مولانا محمد باقر مجلسی قدس سرّه از پدرش مولا محمد تقی مجلسی از شیخ و وحید زمانه و فرید دوران خود شیخ بهاءالدین عاملی بر اساس اسناد ذکر شده در اربعین وی روایت کنند. ایشان را به تقوای الهی و مراعات جانب احتیاط که راه نجات است وصیت می کنم و در همه حال مرا از دعا فراموش ندارند. از خداوند برای خود و ایشان توفیقی که به من عطا شود مسئلت دارم و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطّاهرین.

سید مهدی درچه‌ای

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

المجتهدين الذين أجازوا للعلماء من الراجح ما جازوه وصلى الله على سيدنا محمد وآله
 مجاز الحنبلي وحنيفة الحنبلان
 ولبيد فأنتم جلت عظمة حبكم لم يخلو الخلق حبنا ولم ينكهم سدى ولم
 يدعهم على غير عدل فأرسل الأنبياء ورتب الأوصياء للقائمة التي خلقهم من أجلها
 ولما قصت حكمته بنسبه في أمره جعل الله بنابر الأمامه وصفا
 المرجعية والزعامة وأخذ عليهم العهد المشافق إن لا يكونوا ما أنزل من الهدى والبيضاء
 بعد تهذيب نفوسهم وعقولهم بالجاهد والجهاد حيث لم يتصل الكليات وكان من
 بينك جهده وسرته شطرنج لتوصيل تلك الراجح اليه والواهب العاليه
 العالم الرباني والعلو الذي ليس له في المعرفة وبين المعارف ما في عزري و
 دوله الروادع الشيخ سلطه نخبه من تابتها أدام الله تأييده فإنه إبقاء الله
 نذكركم حتى حاز القوة والاستعداد وتأهل للدراسة في الأحكام بحكمته
 والاجتهاد وصار علما من الأعلام وقوة للوأم وقد استجاز في الرواية على
 طريقتي السلف من العلماء الربانيين والساطين الذين تأدوا بتدليلهم
 اجرت لوان يروى في بالظن التي صحت له اجازتها من استبدى العلم
 ومشايخي النظام كالشيخ النوري صاحب المنهاج والشيخ ميرزا حسين
 المرزا خليل الطهراني والشيخ السمرقاني الكاشف الغطاء رضي الله عنهم جميعا
 ورجائي منه وصلي الله ان يلزم بالورع والاحتياط في جميع احواله من اقوالهم
 افعاله وان لا يشاي من صالح دعواتهم كالأمر ان دان سيدنا محمد في
 والارشاد الى ما يفسد العباد في الهدى والعدو ولا يرحم مؤيديه عاردا
 ممن من مدرستها السليبه بالتميز الاثر
 عمادتها العافية مشكرا
 الرويحي محمد حسين
 كاشف الغطاء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سپاس خدای را که از مواهب آنچه را که روایت بر علماء روزی نمود و صلی الله علی سید انبیائه محمد و آله مجاز الحقیقه و حقیقه المجاز. و بعد از آنجائی که خداوند با جلال و عظمت خلق را بیهوده نیافریده و آنان را به حال خود رها نکرده و در غیر راه هدایت راهیشان نکرده پس برای هدفی که آنان را برای آن هدف آفریده است انبیاء را فرستاد و اوصیاء را تعیین نمود. وقتی که حکمتش بر غیبت ولی امرش عجل الله فرجه قرار گرفت برای علماء پس از تهذیب نفس و عقل از طریق مجاهدت و کوشش فراوان در تحصیل کمالات نیابت امام و مقام مرجعیت و زعامت را قرار داد و از آنان عهد و پیمان گرفت که آنچه که از هدایت و بینات نازل شده را کتمان نکنند. و از کسانی که جهد نموده‌اند و عمرشان را در تحصیل درجات متعالی و مواهب عالیه صرف کرده‌اند عالم ربّانی غلم انور شخصیت یگانه‌ای که در معرفت و تعیین و ظهور معارف شخص دوّمی نظیر ایشان نیست، عزیز من و فرزند روحانی من شیخ سلطانحسین تابنده بیچاره ادام الله تائیداته هستند که خداوند ایشان را نگاه داشت تا قوه و استعدادشان به کمال برسد و شایسته استنباط احکام با ملکه اجتهاد و عالمی از بزرگان علماء و پیشوای بندگان خدا گردند. ایشان بر طریق پسندیده علماء سلف و اساطین دین از من اجازه روایت خواستند. از آنجائی که ایشان را بر این کار شایسته دیدم به ایشان اجازه دادم که از من به طرّقی که اجازه من از اساتید و مشایخ بزرگوام صحیح است همانند محدث نوری صاحب کتاب المستدرک و حاج میرزا حسین و میرزا خلیل طهرانی و مشایخ خاندانم از آل کاشف الغطاء رضوان الله علیهم اجمعین روایت کند. امید من به ایشان و وصیت من به ایشان این است که در جمیع احوال از گفتار و کردار جانب پرهیزگاری و احتیاط را بر خود لازم بدانند و مرا از دعای خیر فراموش نکنند همانطور که من ایشان را فراموش نمی‌کنم و تمام کوشش خود را به آنچه که سعادت بندگان در دنیا و آخرت در آن است صرف نمایند و همیشه مؤید به دعای پدرشان^۱ باشند. از مدرسه علمیه ما در نجف اشرف صادر گردید. ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۷۰ قمری

محمد حسین آل کاشف الغطاء

(۱) حضرت آقای حاج محمد حسن گنابادی صالحعلیشاه طاب ثراه.